پیشخوان

نظروگذری بر «تلخ‌وشیرین وقایع و تحلیل تاریخ به روایت حضرت امام خامنه‌ای»

لبیکی به ندای «زمانه‌ات را بشناس»

■ **شاهد توحیدی**



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه بر عنوان خویش آورده است، «تلخ و شیرین وقایع و تحلیل تاریخ به روایت حضرت امام خامنه ای(دام ظله)» را بازمی گوید. «زمانه ات را بشناس»، از سوی مؤسسه فرهنگی- هنری قدر ولایت تدوین و منتشر شده است. تارنمای ناشر در اشاراتی به پیشینه این مؤسسه در بازنمایی افکار و رویکردهای امامین انقلاب اسلامی و وقایع تاریخ معاصر ایران، به نکات پی‌آمده اشارت برده است:

«تلخ و شیرین وقایع و تحلیل تاریخ به روایت حضرت امام خامنه‌ای (مدظله)، جلد دهم از مجموعه «زمانه‌ات را بشناس» است که در مؤسسه فرهنگی- هنری قدر ولایت به چاپ رسیده است. این مؤسسه که از ابتدای سال ۱۳۷۲، پس از هشدارهای هوشمندانه رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر وجود تهاجم گسترده فرهنگی علیه انقلاب اسلامی و باورهای مبتنی بر اسلام ناب تأسیس شد، تلاش کرد تا با حضور در عرصه فرهنگی و به اندازه توان خود، در گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی و پیام آن و نیز در افشای ترفندهای فرهنگی دشمنان و عوامل آنان بکوشد و وظیفه خویش را انجام دهد. این مرکز موفق شده است تا در زمینه تبیین و نشر رهنمودها و اندیشه‌های حضرت امام خمینی بنیانگذار جمهوری‌اسلامی و حضرت امام‌خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی قدم‌هایی بردارد و همچنین نسبت به بررسی، پژوهش، تدوین و نشر موضوعاتی که مورد اشاره و مطالبه آن دو بزرگ بوده است، اقدام کند. تاریخ معاصر ایران و مسائل و جریانات روز، از جمله مطالبات رهبری بوده‌اند که مؤسسه با



۲۸آبان ۱۳۶۵. دانشگاه امام صادق(ع)

اهتمام ویژه‌ای آنها را دنبال کرده است. مؤسسه در سه گروه سنی کودکان، نوجوان، جوانان و عموم، به نشر نتایج بررسی‌ها و پژوهش‌های خود اقدام نموده است. مؤسسه فرهنگی- هنری قدرولایت، در سال ۱۳۸۸، یعنی در ۳۰سالگی پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان ناشر برگزیده در نشر فرهنگ انقلاب در ۳۰سال انقلاب اسلامی برگزیده شد و در سال ۱۳۸۹، ناشر برگزیده بیست‌وسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران شد. این مؤسسه همچنین در همین سال، به عنوان ناشر برگزیده سیزدهمین جشنواره انتخاب کتاب دوسالانه دفاع مقدس معرفی شد. این نهاد در سال ۱۳۹۳ و در جشنواره بزرگداشت حماسه ۹ دی از سوی ستاد پاسداشت حماسه ماندگار ۹ دی (همایش ملی علمداران بصیرت)، به عنوان ناشر برگزیده در حوزه کتاب، مورد تجلیل قرار گرفت. موسسه در سالیان ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵و در چهارمین و هفتمین نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس برگزیده شد. همچنین در هفدهمین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس، به عنوان خادم نشر تهران انتخاب شد. موسسه قدرولایت در جشنواره شهید سید علی اندرزگو در سال ۱۳۹۶، به عنوان برگزیده انتخاب شد. در مجموعه «زمانه‌ات را بشناس» که تا سال ۱۳۹۹ ۱۰جلد از آن منتشر شده با وقایع مهم داخلی و بین‌المللی و تحلیل صحیح این وقایع از نگاه آسمانی رهبر معظم انقلاب اسلامی آشنا می‌شویم؛ به گونه‌ای که تشخیص سره از ناسره و حق از باطل ممکن می‌شود. در این مجموعه نسبت به اشخاص و وقایعی که رهبری به آنها اشاره گذرا داشته‌اند، بصورت پاورقی توضیحات لازم داده شده و تصاویر مناسب نیز انتخاب و مجموعه را گویا و جذاب نموده است....»



دهه ۶۰. آستان قدس رضوی(ع)
آیات عظام سید علی خامنه‌ای و سید موسی شبیری زنجانی

آیت‌الله شبیری زنجانی: «آقای خامنه‌ای گاهی که به منزل ما می آید، می‌گوید: وقتی قرار می‌شود که به منزل شما بیایم، از چند روز قبل شعفی در من به وجود می آید. ایشان خوش فهم و خوش حافظه است. ایشان شاگرد حاج شیخ مرتضی حائری بود. آقای حاج شیخ مرتضی، از استعداد وی تعریف می‌کرد. ایشان با حاج آقا جعفر اخوی ما هم بحث بود و از نظر سرعت انتقال و ذکاء، برحاج آقا جعفر ترجیح داشت...»

«خاندان خامنه‌ای»
در آیینه روایت‌های زنده‌یاد آیت‌الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی

رهبری در دوره تحصیل هوشمند، خوش‌فهم و خوش حافظه بود

■ **سمانه صادقی**

زنده‌یاد آیت‌الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی، دایره‌المعارفی از اطلاعات و خاطرات درباره علمای شیعه، به ویژه معاصران به شمار می‌رفت. شمه‌ای از دانسته‌های وی در این فقره، در مجموعه «جرعه‌ای از دریا» گرد آمده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته‌است. او از منش چهره‌های شاخص خاندان شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر شهید انقلاب اسلامی نیز آگاهی‌های ارزشمندی داشت که بخش‌هایی از آن و مبتنی بر اثر یاد شده، درمقال پی‌آمده مورد بازخوانی تحلیلی قرار گرفته است. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■■■

■ **از سادات صحیح‌النسب و خاندان قائم مقام فراهانی**

همانگونه که اشارت رفت، آیت‌الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی در شناخت نسب علما و شخصیت‌های معاصر، ید طولایی داشت. وی در باب سیادت شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای و اعتبار فراوان آن و نیز انتساب معظم‌له به زنده یاد قائم مقام‌فراهانی، صدراعظم مصلح دوران محمد شاه قاجار، اظهار داشته است: «آقای خامنه‌ای[1] از سادات صحیح‌النسب و بیت ایشان کاملاً معروف است و در سیادت ایشان، هیچ تردیدی نیست. پدر ایشان مرحوم آقای حاج سیدجواد، از اجله علمای مشهد و از اوتاد بود. پدر آقای حاج سید جواد، مرحوم آقای حاج‌سید حسین‌خامنه‌ای بود که از علمای درجه اول و مهم تبریز و مدرس سطح بالایی بود. ایشان از بنی‌اعمام قائم مقام فراهانی است و سیادت قائم مقام مسلم و قطعی است و شجره‌نامه‌اش هم موجود است....» (شب چهارم محرم ۱۴۳۳)

■ **در تاریخ وفات قائم مقام فراهانی**

راوی فقید به مناسبت نسبت قائم مقام اول و دوم فراهانی با خاندان آیت‌الله خامنه‌ای، درباب برخی اشتباهات در ذکر تاریخچه وفات قائم مقام دوم (میرزا ابوالقاسم خان قائم مقام فراهانی)، به این خاطره اشارت برده است: «در حرم حضرت عبدالعظیم(ع)، سر قبر قائم مقام دوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام رفتم و برای او فاتحه خواندم. دیدم تاریخ وفاتش را ۱۲۱۵ نوشته‌اند. گفتم این تاریخ اشتباه است و باید ۱۲۵۱ باشد. بعداً به کتب مراجعه کردم و دیدم حدس من درست بود و ۱۲۵۱ تاریخ وفات قائم مقام دوم است. به متصدی آنجا گفتم که این تاریخ اشتباه است. مدتی گذشت، دیدم سنگ را عوض کردند. الان تاریخ سنگ قبر درست است. قائم مقام دوم، مقتول محمد شاه بود. محمد شاه بعد از وفات فتحعلی شاه در سال ۱۲۵۰، به سلطنت رسید. پس قطعاً ۱۲۱۵ اشتباه است و با ۱۲۵۱ تناسب دارد. در نسبنامه قائم مقام نوشته شده است که مقبره قائم مقام اول میرزا عیسی وزیر در شاه حمزه تبریز است، ولی در تبریز به سید حمزه معروف است. در آن نسبنامه نوشته شده است که قائم مقام اول، متوفای ۱۲۳۷ است. من این نکته را نمی‌دانستم. زمانی که در تبریز بودم با آقای مجتهدی به زیارت مقبره سید حمزه رفتیم. مادر آقای مجتهدی، در مقبره سید حمزه دفن شده است....»

■ **مکانت علمی آیت‌الله سید حسین خامنه ای**

آیت‌الله سیدحسین خامنه‌ای پدر آیت‌الله سید جواد خامنه‌ای و پدر بزرگ شهید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، از تحصیلکردگان حوزه نجف بود و پس از بازگشت به تبریز، از اعلام پرآوازه این شهر شد. او در نجف و تبریز، به تدریس علوم اسلامی نیز پرداخت و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. چنانکه آیت‌الله شبیری اطلاعات خود در این فقره را به ترتیب پی‌آمده به تاریخ سپرده است: «مرحوم آسید حسین (جد آقای خامنه‌ای و پدر حاج‌سیدجواد)، از علمای درجه اول تبریز بود. از آقای حاج سید جواد شنیدم، در نجف غالب آذربایجانی‌ها نزد ایشان دروس سطح (مثل رسائل و مکاسب) را خوانده‌اند. همچنین به خاطر دارم که حاج سید جواد می‌گفت: آسید حسین حاشیه‌ای بر قوانین داشت، ولی آقای خامنه‌ای می‌گفت: نسخه آن نزد شخص دیگری است و ما از آن اطلاعی نداریم. از حاج سید جواد شنیدم که می‌گفت: جد ما آسید محمد خامنه‌ای(پدر آسید حسین) اهل تفرش و بازاری بود. او به خامنه هجرت کرد و در آنجا ساکن شد. به احتمال قوی آسید حسین، در خامنه متولد شده است. البته این را که آسید حسین در خامنه متولد شده است، حدس می‌زنم. وی سپس به تبریز رفت و تحصیلات مقدماتی ایشان در آنجا بود. سپس به نجف رفت و مجدداً به تبریز بازگشت و از اعلام تبریز شد. طبق آنچه از آقای حاج سید جواد شنیدم و در نظرم مانده، وی در سال ۱۲۸۹ به نجف رفته و حدود ۲۵سال در نجف اقامت کرده است. از کیفیت تحصیل و اساتید وی در نجف اطلاعی ندارم، ولی اگر از ابتدای ورودش به نجف در دروس خارج شرکت کرده باشد، به احتمال قوی باید درس آسید حسین کوهکمری و فاضل ایروانی و میرزای رشتی را درک کرده باشد و تردید دارم که درس میرزای شیرازی را درک کرده باشد، چون میرزا در سال ۱۳۹۱ به سامرا رفت. البته اینها همگی احتمال است....»

■ **پرسش و پاسخی از آیت‌الله سید حسین خامنه‌ای**

از سیره آیت‌الله سید حسین خامنه‌ای، به ویژه ذهن آماده او در پاسخگویی به سؤالات گوناگون، روایت‌هایی متنوع وجود دارد. نمونه آن، ماجرایی است که آیت‌الله شبیری از آیت‌الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی تبریزی شنیده است: «مرحوم آقای حاج میرزا عبدالله مجتهدی تبریزی، از حاج محمد آقای نخجوانی این قضیه را نقل می‌کرد. حاج محمد آقای نخجوانی، از تجار با کمال و بافضل و اهل ادبیات بود. می‌گفت: شخصی بازاری که سمتش یادم نیست، اطعامی داشت و اشخاصی را که با خودش سنخیت داشتند؛ دعوت کرد. آقای حاج سید حسین را - که احتمالاً امام جماعت آن محل بود- نیز برای مجلس اطعام دعوت کرد. آقای حاج سید حسین بالای مجلس تنها نشسته بود؛ چون عالم دیگری که کفو ایشان باشد، در مجلس نبود. آقای حاج محمد آقا نخجوانی می‌گفت: من به صاحب مجلس گفتم: درست نیست که آقا تنها بنشیند؛ تو خدمت آقا برو و مسئله‌ای بپرس و از ایشان استفاده کن، تا آقا هم تنها نباشد. صاحب مجلس خدمت آقای حاج سید حسین رفت و به ترکی گفت: آقا! آقای حاج سید حسین گفت: چی ؟ گفت: رستم نبو یورو سوز؟ یعنی: درباره رستم چه می‌فرمایید؟ آقای حاج سید حسین فرمود: باطل دُوره، یعنی باطل است...» (شب ۱۱ محرم ۱۴۳۳)

■ **شیخ محمد خیابانی، داماد آیت‌الله سید حسین خامنه‌ای**

آیت‌الله شبیری در مقام روایت آیت‌الله سید حسین خامنه‌ای، به داماد پرآوازه وی نیز اشارتی دارند: «شیخ محمد خیابانی - مبارز معروف - داماد آسید حسین خامنه‌ای (یعنی شوهرهمشیره آقای حاج سید جواد و شوهر عمه آقای خامنه‌ای) بود. مرحوم خیابانی در تبریز، به جای مرحوم آسید حسین نیابت جماعت می‌کرد....» (شب ۱۱ محرم ۱۳۳۳)

■ **آیت‌الله سید جواد خامنه‌ای در زمره اوتاد زمان**

شناخت راوی از آیت‌الله سید جواد خامنه‌ای، از نزدیک و دقیق است. هم از این روی، تصویری روشن از سیره علمی و عملی وی ارائه می‌کند: «من از نزدیک، با والد آقای خامنه‌ای[2] آشنایی داشتم. وی از اوتاد بود. هم ملا بود و هم بالاتر از علمش، تقوای وی بود. از او حاشیه مفصلی بر کفایه دیدم که با خط خوش نوشته بود و البته تقریرات درس حاج میرزا محمد آقازاده بود. وی شاگرد آقازاده بود و درباره آقازاده می‌گفت: من ندیدم کسی مثل حاج میرزا محمد آقازاده، بر کفایه مسلط باشد. همچنین می‌گفت: حاج آقا حسین قمی با اینکه مدت طولانی شاگرد مرحوم آخوند بود، مکرر اشخاص را نزد آقازاده می‌فرستاد تا بپرسند در فلان عبارت، مراد مرحوم آخوند چیست؟...» (شب چهارم محرم الحرام ۱۴۳۳)

■ **اساتید آیت‌الله سید جواد خامنه‌ای**

آیت‌الله سید جواد خامنه‌ای، تحصیلکرده حوزه نجف و از شاگردان آیات: میرزا حسین نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی بوده است. امری که در بیانات مرجع فقید، ذکر آن رفته است: «مرحوم حاج سید جواد خامنه‌ای، اوائل ساکن مشهد بود؛ سپس به نجف رفت و دوباره به مشهد بازگشت. وی در نجف، قاعدتاً شاگرد آقای نائینی و آقای آسید ابوالحسن اصفهانی بوده و دروس مرحوم آخوند را درک نکرده است، چون متولد ۱۳۱۳ و در زمان وفات آخوند ۱۶- ۱۷ ساله بوده است. احتمال می‌دهم نزد میرزا ابوالحسن مشکینی و میرزا علی ایروانی هم تحصیل کرده باشد....»

■ **نمادی از احتیاط و مراقبت در گفتار**

رعایت مقام احتیاط و دقت در گفتار و کردار، از خصال بارز آیت‌الله سید جواد خامنه‌ای بوده است. خصلتی که یکی از مصادیق آن، در گفت‌وگوی آن عالم متقی با آیت‌الله شبیری بروز یافته و به وضوح خود را نشان داده است: «آقای حاج سید جواد، خیلی متقی و اهل عبادت و مواظب اعمال و در گفتار محتاط بود. یکی از مراجع به کفایه اشکالی کرده بود و مرحوم آقازاده تعبیر توهین آمیزی درباره آن آقا به کار برده و گفته بود که انصافاً مطلب را نفهمیده است. آقای حاج سید جواد وقتی این ماجرا را نقل می‌کرد، نام آن مرجع را ذکر نکرد؛ ولی آقای دیگری از علمای بزرگ مشهد که در همان مجلس درس حاضر بود، همین قضیه را نقل کرد و نام آن عالم را هم ذکر کرد و گفت که وقتی آقای آقازاده از منبر پایین آمد، من به ایشان اعتراض کردم که شما چرا این جور تعبیر کردید؟ آقای آقازاده گفت: شاگرد آن آقا در مجلس حاضر بود، می‌خواست از استادش دفاع کند. گفتم: حالا اگر شاگرد نتواند از استادش دفاع کند، مجوز نمی‌شود که شما چنین تعبیر کنید. غرض اینکه آقای حاج سید جواد در گفتار محتاط بود و چون می‌ترسید این تعبیر به موقف آن عالم لطمه‌ای بزند، نام او را ذکر نکرد...» (شب ششم محرم و شب ۱۱ محرم ۱۴۳۳)

■ **از آقای سیدجواد خامنه‌ای تبعیت می‌کنم و نافله عصر را در مدرسه فیضیه می‌خوانم**

از جمله سنت‌های حسنه‌ای که در نمازهای جماعت ظهر و عصر ترک شده، تقید به نافله عصر است. والد گرامی رهبر شهید انقلاب اسلامی، به این نافله تقید داشت و آیت‌الله شبیری نیز سال‌ها بعد و با لحاظ تمامی جوانب امر، به سان آیت‌الله سید جواد خامنه‌ای، آن را در نمازجماعت ظهر و عصر خویش در مدرسه فیضیه قم به جای می‌آورد: «از ویژگی‌های جالب آقای حاج سید جواد خامنه ای، تقیدشان به نافله عصر در نماز جماعتشان بود. چون مردم نوعاً آمادگی ندارند، معمولاً در نمازهای جماعت، نافله عصر خوانده نمی‌شود. مرحوم حاج آقای والد، نافله ظهر را قبل از نماز جماعتش می‌خواند و می‌گفت: چون برخی به دخول وقت ظهر یقین ندارند، برای اینکه همه یقین کنند، نافله ظهر را می‌خوانم؛ ولی درباره نافله عصر می‌گفت: چون اشخاص آمادگی ندارند، نمی‌خوانم. ایشان بعد از نماز عصر و در راه برگشت به منزل، نافله عصر را می‌خواند. چند سال پیش طلبه‌ای به من گفت: خوب نیست که این سنت را که در بیشتر نماز جماعت‌ها ترک شده است، ما نیز انجام ندهیم. گفتم: افراد آمادگی ندارند، ولی اگر اکثریت آماده باشند، من می‌خوانم؛ شما از مأمومین سؤال کنید. بعداً آن طلبه آمد و گفت: من سؤال کردم، بیشتر آمادگی دارند. لذا از آقای حاج سید جواد پیروی کردم و از آن به بعد، نافله عصر را در مدرسه فیضیه می‌خوانم؛ البته با حذف مستحبات آن به گونه‌ای که زمان آن، تقریباً با زمان تعقیبات چندان تفاوت ندارد...» (شب ششم و یازدهم محرم ۱۴۳۳)

■ **صاحب منزلی ساده و محقر در مشهد**

روایتگر راحل از آن روی که به منزل آیت الله سید جواد خامنه‌ای فراوان رفت و آمد داشته، از سبک زندگی وی چنین وصفی دارد: «مرحوم آقای حاج سید جواد در مشهد منزل خیلی ساده و محقری داشت. من زیاد به منزل ایشان می‌رفتم چون ایشان با حاج آقای والد مرتبط بود و رفت و آمد خانوادگی داشتند....» (شب ۱۱ محرم ۱۴۳۳)

■ **تفاوت دو دوست**

آیت‌الله شبیری از زبان رهبر شهید انقلاب اسلامی، به یک تفاوت میان پدرش آیت‌الله سید احمد زنجانی با آیت‌الله سید جواد خامنه‌ای اشارت برده است؛ میزان همراهی با مظاهر تجدد و مقتضیات دنیای امروز: «آقای خامنه‌ای[3] به من می‌گفت: حاج آقای والد شما با پدر ما فرق داشتند: حاج آقای شما در عین مقدسی در امور روز روشن بود؛ یعنی قدیمی فکر نمی‌کرد. اما پدر ما خیلی قدیمی فکر می‌کرد و با مظاهر دنیای امروز، اصلاً همراهی نمی‌کرد. البته در این جهت که مرحوم حاج سید جواد آدم متقی و باور کرده‌ای بود، تردیدی نیست. حاج آقای والد ما در عین حال که خیلی مقدس و با معنویت بود، از رسوم دست و پاگیر پیروی نمی‌کرد. وی معتقد بود که باید حد وسط رعایت شود و کتابی هم در همین موضوع نوشته است به نام خیر الامور؛ و می‌فرمود: در دوره ما، طلبه‌ها از چتر استفاده نمی‌کردند و من اول کسی بودم که از چتر استفاده کردم و با این کار این روش غلط را شکستم! وی نوعاً در مقابله با رسوم دست و پاگیر، پیش قدم بود....» (شب ششم محرم ۱۴۳۳)

■ **خدمت رهبری به پدر، عامل نجات از ترور**

ناقل فقید در بخشی از اظهارات خود در باره خاندان خامنه ای، نجات رهبر شهید انقلاب اسلامی از ترور ۶تیر ۱۳۶۰ را معلول خدمت به پدر می‌داند و تأکید می‌ورزد: آقای خامنه‌ای خیلی اهل صله‌رحم بود: «آقای خامنه‌ای[4] خیلی اهل صله رحم بود. من احتمال می‌دهم همین اهتمام ایشان به صله‌رحم، عامل نجات وی از ترور شد. چون صله‌رحم، سبب طولانی شدن عمر می‌شود. وی در قم، مشغول تحصیل و در درس جدی بود. پدرش چشمش را عمل کرد و ایشان برای کمک و رسیدگی به پدر، قم را رها کرد و به مشهد رفت. با اینکه طبعاً برای کسی که به قصد تحصیل به قم آمده است، این کار سخت است. وی در مشهد، در خدمت پدرش بود و روزی حدود دو ساعت برایش کتاب می‌خواند. بعید نیست همین خدمت به پدر، سبب نجات ایشان از ترور باشد...» (شب ششم محرم ۱۴۳۳)

■ **آقای حاج شیخ مرتضی حائری، از استعداد آقای خامنه‌ای تعریف می‌کرد**

آیت‌الله شبیری در بازگویی خصال فکری شهید آیت‌الله خامنه‌ای، از آنچه که از دوران تحصیل وی به خاطر سپرده و نیز نکاتی که در خلال گفت و گوهایش با ایشان در سالیان اخیر دریافته است، نیز سخن به میان آورده است: «آقای خامنه‌ای[5] گاهی که به منزل ما می‌آید، می‌گوید: وقتی قرار می‌شود که به منزل شما بیایم، از چند روز قبل شعفی در من به وجود می‌آید. البته صحبت‌ها نوعاً علمی است، نه سیاسی. ایشان خوش فهم و خوش حافظه است. زمانی که با آقای خامنه‌ای دیدار دارم، به دستور ایشان دستگاه ضبط می‌گذارند که صحبت‌ها ضبط شود. ایشان شاگرد حاج شیخ مرتضی حائری بود. آقای حاج شیخ مرتضی از استعداد وی تعریف می‌کرد. ایشان با حاج آقا جعفر اخوی ما هم بحث بود و از نظر سرعت انتقال و ذکاء، برحاج آقا جعفر ترجیح داشت...» (شب چهارم ماه محرم ۱۴۳۳)

■ **و سرانجام واپسین گواهی در باره یک دوست**

در سحرگاه غمبار ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۴که خبر شهادت مظلومانه رهبر انقلاب نشر یافت، اطلاعیه منتشره از سوی آن مرجع راحل که حاوی القاب و عناوینی فاخر بود، به مثابه نشانی از واپسین داوری آیت الله العظمی شبیری زنجانی در باره آن دوست دیرین انتشار یافت و بسیاری را به خویش متوجه نمود: «با تأثر عمیق، شهادت رهبری معظم آیت‌الله آقای حاج سید علی خامنه‌ای (ره) را به حوزه‌های علمیه و بیت مکرم و آقازادگان گرامی و به مردم صبور و وفادار ایران و عموم مسلمانان جهان تسلیت عرض می‌کنم. آن بزرگوار به‌عنوان شاگرد برجسته و تربیت‌شده مکتب بنیانگذار انقلاب، با اعتقاد به مسیر و عدم تردید در مواجهه با مشکلات، عمر گرانقدر خویش را با صلابت و اراده قوی و از جان‌گذشتگی و با عزت و اقتدار و پرکاری مثال‌زدنی، در این راه گذاشت. آن مجاهد، خدمات ارزنده‌ای انجام داد که ان‌شاءالله ذخیره آخرت ایشان باشد....»

پی نوشت:

۱/۳/۲/۴/۵- مقصود، شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (قدس سره) است



دهه ۵۰. آیت‌الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی
در کنار آیت‌الله سید جواد خامنه‌ای

آیت‌الله شبیری زنجانی: «آقای خامنه‌ای در قم مشغول تحصیل و در درس جدی بود. پدرش چشمش را عمل کرد و ایشان برای رسیدگی به پدر، قم را رها کرد و به مشهد رفت. با اینکه طبعاً برای کسی که به قصد تحصیل به قم آمده، این کار سخت است. وی در مشهد، در خدمت پدرش بود و روزی دو ساعت برایش کتاب می‌خواند. بعید نیست همین خدمت به پدر، سبب نجات ایشان از ترور باشد...»